

صادرات در این دوره شد. در دوره اصلاحات به تولید و اشتغال، صنعتی شدن، بخش خصوصی، قطع وابستگی به نفت و انباشت سرمایه و به‌طور کلی به مسائل اقتصادی توجه چندانی نشد (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۴۷). سرکوب نرخ ارز و واردات بی‌رویه و غیرضروری در دو دولت اصولگرا و اعتدال باعث کاهش رقابت‌پذیری تولیدکننده داخلی در برابر کالاهای خارجی شد و این دولت‌ها نیز همانند دولت‌های قبلی نتوانستند به صنعتی‌سازی، ارتقای صادرات و بازاریابی برای کالاهای داخلی پردازند. تمرکز دولت اعتدال به برجام و وعده‌های اروپایی باعث شد این دولت به تسهیل مبادلات تجاری و مالی از طریق پیمان‌های پولی و بانکی با شرکای تجاری راهبردی بی‌اعتنا باشد.

در بحث استقلال سیاست خارجی کشور از موضوعات، دستورالعمل‌ها و سیاست‌های منحرف‌کننده قدرت‌ها و نهادهای بین‌المللی باید گفت که دولت سازندگی دستورالعمل‌های بانک جهانی را برای دریافت وام ویژه اقتصادی در پیش گرفت که نتیجه آن افزایش واردات و تورم و به حاشیه رفتن سیاست صنعتی‌سازی کشور بود. دولت اصلاحات نیز متأثر از اندیشه‌های غربی به توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی تأکید داشت و به همین دلیل مسائل اقتصادی در اولویت این دولت نبود. در دولت اصول‌گرایی نیز موضوعاتی همچون بهبود درآمدهای نفتی، انگیزه دولت را بیشتر به سمت واردات و رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی سوق داد. دولت اعتدال نیز با تقلیل دادن مشکلات کشور به مسئله هسته‌ای و غرب سعی کرده است به تسهیل مراودات تجاری و بانکی پردازد، فارغ از اینکه دولت به سناریوهای جایگزین، ظرفیت‌های داخلی و شرکای راهبردی و منطقه‌ای برای بهبود وضعیت اقتصادی توجه داشته باشد

به‌نظر می‌رسد فعال نبودن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ج.ا.ایران و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های محیط منطقه‌ای و داخلی به‌طور هم‌زمان، از عوامل ناکامی دولت‌های ج.ا.ایران در توسعه اقتصادی بوده است. اگر دیپلماسی کشور معطوف به حمایت و تقویت از تولید ملی باشد، چنان‌که در دولت‌های توسعه‌گرا وجود داشته است، امکان تقویت تولید